



تحلیل استعاره‌های جهتی در دعای چهل وهفتم صحیفه سجادیه با رویکرد شناختی

کرم سیاوشی^{۱*}، اسماعیل شعبانی کامران^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22084/DUA.2024.29522.1090](https://doi.org/10.22084/DUA.2024.29522.1090)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱



چکیده

«استعاره مفهومی» از پدیده‌های نوین در پژوهش‌های زبان‌شناختی است. یکی از انواع این نوع استعاره، «استعاره جهتی» است که با مفاهیم مکانی «بالا-پایین»، «پیش-پس»، «دور-نزدیک» و... سعی در ایجاد پیوند میان یک حوزه مفهومی با دیگر حوزه‌های مفهومی دارد. هدف این پژوهش برنمایاندن نقش بنیادین استعاره مفهومی از نوع جهتی در دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه می‌باشد و این که این استعاره‌ها بیان‌گر چه مفاهیم انتزاعی و متعالی هستند و با چه میزان و تنوعی در «صحیفه سجّادیه» که سرشار از معارف هدایتی و مضامین معنوی است، به کار رفته‌اند. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی نگاشته شده است. نتایج پژوهش بیان‌گر آن است که بیان استعاری امام سجاد (ع) در دعای چهل و هفتم صحیفه سجّادیه موجب طرح مفاهیم متعالی در قالب تعبیر متنوع حسی و جهت‌مند شده است؛ چنانکه جهات «نزد، نزدیک، پیش روی، روی نهادن، دست گشودن، گرفتن دست، در برگرفتن، سمت راست و گستره آسمان‌ها» برای بیان مفاهیم استعاری مثبت، جهات «پایین، روی برگرداندن، پشت دست زدن، رها کردن از دست، فرود آمدن، فرود آوردن، پایین افکندن، انداختن» برای بیان مفاهیم استعاری منفی، و جهات «دور، به‌سوی، پیش، پس، وسط» به‌صورت مشترک برای بیان مفاهیم استعاری مثبت و منفی به کار رفته است. هم‌چنین، نتیجه حاکی از اثربخشی این شیوه بیانی در انتقال پیام‌های معنوی و معرفتی است.

کلیدواژه‌ها: صحیفه سجّادیه، دعای چهل و هفتم، رویکرد شناختی، استعاره مفهومی، استعاره جهتی.

۱- دانشیار گروه الهیات، دانشگاه بوعلی سینا، همدان. ایران (نویسنده مسئول) *Karam.siyavoshi@basu.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بوعلی سینا، همدان. ایران Shaebani.67@gmail.com

۱. مقدمه

برقراری ارتباط ژرف و معنادار، نیازمند ابزاری است که بتوان با آن کارکرد موجود در حوزه مفاهیم حقیقی را به صورت مجازی در دسترس مخاطب قرار داد. این امر علاوه بر این که ما را از تنگناهای معادلیابی در زبان مقصد حفظ می‌کند، به جهت زیباشناختی، التذاذ مخاطب، نیز اثرگذاری بر او را به همراه خواهد داشت. کارکرد اصول زبان‌شناختی در حوزه مذهب اهمیت به‌سزایی در بازگو نمودن شمه‌ای از حقایق روحی معنوی بشر از رهگذر بهره‌جستن از صنایع بلاغی و بیانی دارد. چنان‌که می‌تواند انتقالی مؤثر و جذاب در پی داشته و مخاطب را از سردرگمی در دریافت معنا در امان دارد.

تحلیل ادعیه صحیفه سجاده از رهگذر رویکرد جدید زبان‌شناسی، ارزش مفاهیم صحیفه سجاده را بیش از پیش نمایان می‌سازد؛ به گونه‌ای که می‌توان این کتاب را به‌عنوان یکی از منابع فاخر برای استخراج و تبیین دانش‌های بیانی به شمار آورد و پژوهش‌های زبان‌شناختی جدیدی را درباره آن سامان داد.

بر این اساس، یکی از کارهای ضروری برای تبیین مفاهیم صحیفه سجاده، گزینش و تحلیل استعاره‌های مفهومی صحیفه است تا خوانندگان هم‌زمان با ادراک مضامین معنوی، تصویرسازی‌های موجود در ادعیه امام (ع) را برای دستیابی به اهداف تربیتی و اخلاقی دریابند. هدف این پژوهش با توجه به رویکرد نوین زبان‌شناختی بر اساس نظریه «لیکاف» و «جانسون» تأکید بر استعاره مفهومی از نوع جهتی، و برنمایاندن نقش بنیادین آن در دعای چهل و هفتم صحیفه سجاده می‌باشد. پرسش اساسی این پژوهش آن است که: ۱. استعاره‌های جهتی در «صحیفه سجاده» چه مفاهیم انتزاعی و متعالی را تبیین می‌کنند؟ ۲. بسامد استعمال استعاره‌های جهتی در صحیفه سجاده چه میزان است؟ جهت پاسخ به پرسش‌های مطروحه روش «توصیفی» و «تحلیلی» اختیار شده است. در این پژوهش، استعاره‌های جهتی موجود در فرازی‌های دعای چهل و هفتم بر اساس جهات (بالا-پایین، دور-نزدیک، پیش-پس و...) دسته‌بندی شده و پس از آن استعاره جهتی موجود در هر عبارت از دعا بر اساس معیارهای نظریه شناختی تبیین و تحلیل گردیده است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش در زمینه انواع استعاره پیشینه زیادی دارد، اما آنچه نزد متأخران مطرح است، توجه به استعاره با رویکرد نوین زبان‌شناختی است که از سوی دانشمندانی چون «لیکاف» و «جانسون» ارائه شده است.^۱

۱. در این رابطه، نک: هاشمی (۱۳۸۹)، «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون».

این رویکرد نوین استعاری از سوی برخی پژوهشگران بر نصوص اسلامی چون قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و... نیز تطبیق داده شده است که در اینجا پژوهش‌های مربوط به صحیفه سجادیه معرفی می‌گردد:

۱. سلیمی و راستگو (۱۴۳۸ق) در مقاله «المخططات التصورية ودورها في فهم مضامين الصّحيفة السّجادية الأخلاقية (على ضوء اللسانيات الإدراكية)» با هدف روشن کردن مفاهیم ضمنی زیبایی‌شناسانه، به تحلیل طرحواره‌های مفهومی (هستی‌شناختی، ساختاری و جهتی) در تبیین برخی مضامین اخلاقی صحیفه سجادیه، پرداخته‌اند. نتیجه به دست آمده در این پژوهش بیانگر آن است که اخلاق در فرهنگ قرآنی - اسلامی امام(ع) که در صحیفه سجادیه تبلور یافته، ذاتی استعاری دارد و مفهوم نیروهای نفسانی مانند حرص، خشم، حسادت، کری و غیره و فعل و انفعالات قابل کنترل آن‌ها، چیزی نیست جز استعاره‌ای مبتنی بر تجربه نیروهای مادی و فعل و انفعالات آن‌ها مانند برخورد و تسلط یک نیروی مادی بر نیروی دیگر. به علاوه، تجارب مادی مانند تملک، مهار، توازن و غیره که جوهره مفاهیم اخلاقی صحیفه سجادیه را تشکیل می‌دهند، از حالتی تجسمی و محسوس برخوردارند. دیگر آن‌که، طرحواره‌های شناختی وجودی در صحیفه سجادیه از نظر حضور در زبان روزمره مردم بیش از طرحواره‌های شناختی جهتی و ساختاری می‌باشد که دلیل این امر آن است که انتقال انتزاعات از عالم عدم به عالم وجود، فهم و درک آن‌ها را آسان‌تر و نزدیک‌تر می‌کند.

۲. پورابراهیم (۱۳۹۴) در مقاله «سازوکارهای شناختی و نقش آن در مفهوم‌سازی دعا» به نقش تسهیل‌گر ابزارهای شناختی مثل مجازهای مفهومی، استعاره‌های مفهومی و تصویری، و طرحواره‌های تصویری در سازماندهی و درک مفاهیم انتزاعی در ادعیه صحیفه سجادیه پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که این ابزارهای شناختی به درک مفاهیم انتزاعی و غیرعینی در دعا کمک می‌کنند. به علاوه نشان داده که زبان دعا از نظر نوع سازوکارهای شناختی به زبان عادی ولی از نظر گسترش، تفصیل و تلفیق استعاره‌ها به زبان ادبی نزدیک‌تر است.

۳. حسن خلف (۱۳۹۶) در مقاله «کارکرد استعاره و تأثیر آن بر القای مفاهیم انتزاعی و حالات روانی در صحیفه سجادیه» نقش و کارکرد استعاره را در صحیفه سجادیه بررسی و تبیین نموده است. به همین منظور، ضمن بررسی جایگاه استعاره در حوزه نقد ادبی و کارکرد آن، به تحلیل گوشه‌ای از استعاره‌های صحیفه سجادیه و نقش بارز آن در تصویر مفاهیم طبیعی، مفاهیم انتزاعی و مفاهیم دینی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان داده که امام سجاد در صحیفه سجادیه، استعاره را نه فقط برای زیبا ساختن کلام خود، بلکه برای محسوس و عینی جلوه دادن کلام و تحت تأثیر قرار دادن ذهن شنونده به کار گرفته است.

۴. شادمان و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله «نقش استعاره‌های مفهومی در ترجمه صحیفه سجّادیه از منظر زبان‌شناسی شناختی و الگوی لیکاف و جانسون» معتقدند که چون صحیفه سجّادیه از عنصر زبان برای برقراری ارتباط با مخاطب استفاده کرده و بیشترین اموری که امام سجّاد (ع) به آن‌ها پرداخته مربوط به فراماده و مسائل غیرحسی است، از این رو، نظام استعاره مفهومی به شکل سازمان یافته آن در سطح گسترده‌ای در صحیفه سجّادیه ظهور و بروز دارد. به علاوه مفاهیم انتزاعی صحیفه به کمک سازوکارهای شناختی استعاره، تصویرسازی و طرحواره‌های تصویری ساختارمند شده و درک آن‌ها تسهیل شده است. نویسندگان در ادامه به بررسی تطبیقی میزان انتقال زبان استعاره ادعیه صحیفه در دو ترجمه الهی قمشه‌ای و موسوی گرمارودی پرداخته‌اند.

۵. پرچگانی و اطهری‌نیا (۱۴۰۳) در مقاله «بررسی استعاره‌های وجودی مفهوم "رحمت الهی" در صحیفه سجّادیه در پرتو اصول استعاره شناختی جکل» بر مبنای اصول شناختی جکل که هفت اصل آن در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، به این نتیجه دست یافته‌اند که طبق اصل استعاره فراگیر، تعبیر استعاری فراوانی در زبان دعا، جهت تبیین مفاهیم انتزاعی به کار گرفته شده و با توجه به اینکه مفهوم رحمت الهی از جمله مفاهیم انتزاعی است، فراوانی تعبیر استعاری موجود، ناشی از ضرورت به کارگیری آن در گفتمان مذهبی است که حاوی مفاهیم انتزاعی و دور از دسترس تجربه است و برای فهم این مفاهیم لازم است از زبان استعاری استفاده شود.

براین اساس، تاکنون در زمینه «استعاره‌های جهتی» در دعای چهل و هفتم صحیفه سجّادیه، با رویکرد مقاله پیش رو، پژوهشی ارائه نشده و این نوشته در نوع خود جدید است.

۲. استعاره جهتی

یکی از انواع استعاره‌های مفهومی که لیکاف و جانسون به آن پرداخته‌اند، استعاره جهتی است. این استعاره برخلاف سایر استعاره‌ها، یک مفهوم را در چهارچوب مفهومی دیگر سازمان نمی‌دهد، بلکه نظام کاملی از مفاهیم را با توجه به همه‌ی آن‌ها سازمان دهی می‌کند. این استعاره‌ها را استعاره‌های جهت‌گیرانه^۱ نامیده‌اند، چراکه عمدتاً از جهات فضایی^۲ گوناگون مانند «بالا-پایین»، «درون - بیرون»، «پیش - پس»، «دور - نزدیک»، «عمیق - کم عمق» و «مرکزی - حاشیه‌ای» ناشی می‌شوند. وظیفه این نوع استعاره‌ها،

1. orientational Metaphors
2. spatial orientation

بیش از هر چیز برقراری انسجام در نظام مفهومی انسان است. (نک: هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۷) چه، بسیاری از مفاهیم انتزاعی به دلیل شناخت انسان از جهت‌ها که معرّف ویژگی‌های مکان هستند، درک می‌شوند. به عبارت دیگر، مفاهیم جهتی برای قابل درک ساختن حوزه‌های انتزاعی مانند اوضاع روحی، اوضاع و زمان به کار رفته است. (یگانه: ۷) به عنوان مثال، این که چرا جهت بالا به مفهوم شاد نسبت داده شده است، دل‌بخوایی نیست؛ بلکه مبنایی در تجربه‌های شخصی و فرهنگی ما دارند (لیکاف، جانسون، ۱۳۹۷: ۱۶). به علاوه، این نوع کاربرد به حوزه دین و ادبیات اختصاص ندارد و در مکالمات روزمره نیز بسیار از این سبک استعاری، استفاده می‌شود. به عنوان نمونه زمانی که می‌گوییم: «قیمت‌ها بالا رفته» از استعاره جهت (بالا) برای بیان مفهوم «کمیت» در القای مقصود خود به مخاطب بهره جسته‌ایم. بنابراین گویی **گرانی با جهت بالا** یکسان فرض شده است.

۳. استعاره جهتی در صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه مشتمل بر پنجاه و چهار دعا از ادعیه فاخر و معرفت بخش امام علی بن الحسین (ع) است. این کتاب در میان تراث روایی و تعالیم دینی جایگاه شاخصی دارد. امام سجاد (ع) از نوادگان علی بن ابی طالب (ع) است که درباره توانمندی بیانی اهل البیت (ع) فرموده: «إِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ وَ فِينَا تَنْشِئُتْ عُروُفُهُ وَ عَلَيْنَا تَهْدَلُتْ غُصُونُهُ» (نهج البلاغه، خ ۲۲۳)؛ بنابراین، علی بن حسین (ع) نیز چون جد بزرگوارش در شیوه سخن گفتن و به ویژه در راز و نیاز با پروردگار از مهارت بی‌بدیلی برخوردار بوده است. دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه که به «دعای روز عرفة» نامبردار است، مشحون از معارف نجواگرانه امام (ع) با پروردگار عالم در توصیف خداوند و حمد و تسبیح او، در صلوات و درود بر پیامبر گرامی اسلام و خاندان مطهرش، در معرفی اولیاء الهی در میان خلق، و در معرفی خاشعانه جایگاه خویش در پیشگاه باری تعالی و ارائه درخواست‌های متواضعانه خود از او است. در ادامه با کاوش در این دعای عظیم القدر، انواع استعاره‌های جهتی موجود در آن، تبیین و تحلیل می‌گردد.

۱. «ما یمیران سخن: رگ و ریشه‌های سخن در ما دویده و شاخه‌های آن بر ما آویخته است» (ری شهری، بی تا، ۲: ۱۹).

۱-۳. نگاشت‌های استعاره‌ای جهات بالا و پایین

استعاره جهتی **بالا و پایین** نمودی از تجربه انسان در روند روزمره زندگی‌اش به شمار می‌آید. البته جهت بالا در استعاره‌های متداول زندگی نسبت به جهت پایین کاربرد بیشتری دارد (ایمانیان، نادری، ۱۳۹۲: ۹). به علاوه معمولاً استعاره‌های جهت بالا با معنا یا رویداد یا احساس مثبت همراه‌اند؛ درحالی‌که استعاره‌های جهت پایین معنا یا رویداد یا احساس منفی را القا می‌کنند. به دیگر سخن، مفاهیم سودمند و ارزشمند در جهت بالا و مفاهیم بی‌ارزش یا کم‌ارزش در جهت پایین مفهوم‌سازی می‌شوند (کرد زعفرانلو، حاجیان، ۱۳۸۹: ۱۳۶). جهت بالا و پایین در دعای ۴۷ صحیفه سجادیه نیز بر اساس همین شیوه معمول استعاره‌ای در زندگی بشری مفهوم‌سازی شده است؛ چه، جهت **بالا** در آن برای تبیین یا تجسم بخشی به مفاهیم انتزاعی مثبت، برتر یا بیشتر و جهت پایین برای اشاره به مفاهیم منفی یا کم‌ارزش‌تر و یا کم‌تر به کار رفته است.

۱-۱-۳. ارجمند، «بالا» و کم‌ارج، «پایین» است.

«وَصْنِي إِذَا خَلُوتُ بِكَ، وَ أَزْفَنِي بَيْنَ عِبَادِكَ». (فراز ۱۱۸)؛ و هنگامی که با تو خلوت می‌کنم، حقیر و پستم کن؛^۱ ولی در میان بندگان، بلندمرتبه‌ام فرما (انصاریان: ۱۳۷۹).

عبارت فوق شامل تعبیر «صَنْعِي/أَزْفَنِي» است که به صورت تقابلی به کار رفته است. «رَفَع» لغت به معنای برکشیدن، بالا بردن و... و برخلاف مفهوم «وَضَع» است (نک: جوهری، ۱۳۷۶: ۳، ۱۲۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸، ۱۲۹). صاحب المقایس «رَفَع» را دارای یک اصل معنایی می‌داند که بر مفهوم خلاف «وضع» و «خفض» دلالت دارد (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۲، ۴۲۳). چنان‌که «رفع» خلاف «ذَلَّت» معنا شده است. (فراهیدی، ۱۴۱۵: ۲، ۱۲۵؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۲، ۲۱۶) و گفته شده: «رَجُلٌ رَفِيعٌ: أَمٌّ: شَرِيفٌ. وَ رَفَعَ رَفْعَةً: أَمٌّ: ارْتَفَعَ قَدْرُهُ. وَ يَدُلُّ عَلَى تَقَابُلِ الْخَفْضِ وَ الرَّفْعِ» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۴، ۱۹۳)؛ بنابراین «رفع» هم در امور مادی و محسوس به کار می‌رود و هم در امور معنوی و روحی.^۲

بالعکس، «وَضَع» برخلاف مفهوم «رَفَع» به معنای فرو نهادن و پایین آوردن است که در هر دو جنبه مادی و معنوی به کار می‌رود (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۶، ۱۱۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۸۴). ابن منظور گوید: «الضَّعَةُ وَ الضَّعَّةُ: خِلَافُ الرُّفْعَةِ فِي الْقَدْرِ، [بمعنی] الذَّلُّ وَ الْهَوَانُ وَ الدَّنَاءَةُ وَ الْأَصْلُ وَ ضَعْفٌ، حَذَفُوا

۱. مقصود از این درخواست، نهایت خضوع، خشوع و تواضع در برابر پروردگار است.

۲. راغب دسته‌بندی دقیق‌تری در این رابطه ارائه نموده است (نک. ۱۴۱۲: ۳۶۰-۳۶۱).

الفاء علی القیاس کما حذف من عِدَّة و زنة» (۱۴۱۴: ۸، ۳۹۷). چنان که «تواضع» از همین ریشه، به معنای تذلل، فروتنی و شکسته نفسی است (نک: فراهیدی، همان، ۲: ۱۹۶؛ ازهری، همان، ۳: ۴۸). امام سجاد(ع) در این دعا از برکشیدن و بزرگداشت با واژه «رفع» و از فرو نهادن و خوارداشت با تعبیر «وضع» یاد نموده است.

۳-۱-۲. برتر، «بالا» است.

- «سُبْحَانَكَ! مِنْ مَلِكٍ مَا أَمْنَعَكَ، وَ جَوَادٍ مَا أَوْسَعَكَ، وَ رَفِيعٍ مَا أَرْفَعَكَ!» (فراز ۲۴): منزّه و پاکی، پادشاهی که دست معارضی به مرز پادشاهی ات نرسد و بخشنده ای که سفره بخشندگی ات چه پهناور است؛ و بلندمرتبه ای، چه بلندمرتبه است رفعت(انصاریان: همان). این استعاره مفهومی جهت مند که با تکرار لفظ «رفع» (رَفِيعٍ / أَرْفَعَكَ) صورت گرفته، بر اختصاص بالاترین و برترین مکانت برای خداوند اشاره دارد.

- «حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ وَيَعَادِلُ كُرْسِيَّكَ الرَّفِيعَ» (فراز ۴۱).

امام(ع) در عبارت فوق، واژه رفیع را به عنوان وصف کرسی به کار برده است تا با چنین واژه جهت مندی، موقعیت بسیار متعالی کرسی الهی را به عنوان مفهومی مجرد و انتزاعی، به صورت عینی و مکانی متجلی نماید.

۳-۱-۳. بیشتر، «بالا» است.

- «وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا»^۱ (فراز ۵۱).

- «رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِنَةَ عَرْشِكَ وَمَا دُونَهُ، وَمِلءَ سَمَاوَاتِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ وَ عَدَدَ أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ...»^۲ (فراز ۵۹).

- «رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأَنَفَةٍ» (فراز ۵۵).

- «وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ، وَ حَمْدِي إِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ»^۳ (فراز ۱۱۵).

- «حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ وَيَعَادِلُ كُرْسِيَّكَ الرَّفِيعَ»^۴ (فراز ۴۱).

۱. و بر او درود فرست، درودی پسندیده که بالاتر از آن درودی نباشد(انصاریان: همان).

۲. پروردگارا! بر آنان درود فرست، هم وزن عرش و آنچه غیر عرش است؛ به گنجایش آسمان ها و آنچه فوق آن هاست(همان)

۳. شوقم را به سوی بالاتر از شوق مشتاقان و سپاسم را نسبت به حضرتت، برتر از سپاس سپاسگزاران قرار ده (همان).

۴. سپاسی که با عرش ستودنی ات، یکسان و برابر و با کرسی بلندت، معادل شود (همان).

همان گونه که از فرازهای فوق به دست می آید، امام (ع) در بخش هایی از دعای خود، با استفاده از واژگان **فوق و احاطه** بیشترین مقدار و میزان متصور از صلوات الهی را برای پیامبر اکرم و خاندان پاک اش از درگاه الهی درخواست نموده است. البته در فراز ۵۹ همه تعبیر مطروحه، یعنی **(زِنَةَ عَرْشِكَ وَ مَا دُونَهُ، مِلءَ سَمَآوَاتِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ وَ عَدَدَ أَرْضِكَ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ)** که علاوه بر مفهوم بالایی و فرازمندی برخی از آنها (مانند عرش، سماوات)، مشتمل بر مفاهیمی مکان مند و محسوس نیز می باشند، به خدمت گرفته شده است.

چنانکه در دو بخش فراز ۱۱۵ با استعمال لفظ «**فوق**» بیشترین میزان حمد برای خداوند و بیشترین مقدار رغبت امام (ع) به جانب خداوند، درخواست شده است.

«**فوق**» متضاد «**تحت**» (فیومی، ۱۴۱۴: ۲، ۴۸۴) و به معنای «بالا» است که هم در علو مادی و محسوس به کار می رود: **حَإِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرَ آدَمَ** (یوسف، ۳۶) و هم در سمو معنوی و روحی: **حَإِنِّي فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ** (یوسف، ۷۶).

در فراز ۵۵ واژه **تحیط** بر مفهوم بالایی و چیرگی دلالت دارد، که مقصود از آن بسیاری صلوات درخواست شده است.

در فراز ۴۱ امام میزان حمد درخواستی خویش را برای خداوند با به کار بردن دو تعبیر شگفت انگیز ماورایی، یعنی **(عَرْشِ مَجِيد) و (كُرْسِيِّ رَفِيع)** مطرح نموده اند که این دو تعبیر بر اساس معارف دینی و همان گونه که از صفات پیوسته به آن دو (مجید/رفیع) استنباط می شود از برترین و ارجمندترین موقعیت در میان عوالم هستی برخوردارند؛ لذا مفهوم استعاری درخواست شده بر اساس آن ها علاوه بر آن برتری، با توجه به غیرقابل تصور بودن کرانه های آن دو، مشتمل بر بیشترین میزان حمد و ستایش خداوند می گردد.

بدین سان ملاحظه می شود که امام (ع) درخواست های خود را که اموری انتزاعی و معنوی هستند در قالب الفاظی جهت گیرانه - آن هم الفاظی با بیشترین بلکه غیرقابل تصورترین میزان در برگیری - ارائه نموده تا خواسته اش به بهترین شکل ممکن به تصور درآید.

۳-۱-۴. **فروتر، «پایین» است.**

- **«وَأَنَا بَعْدَ أَقَلِّ الْأَقْلَيْنِ، وَ أَذَلُّ الْأَذَلِّينِ، وَ مِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ دُونَهَا»** (فراز 76).

تحلیل استعاره های جهتی در دعای ۴۷ صحیفه سجاده با رویکرد شناختی
کرم سیاروشی، اسماعیل شعبانی کازمران

۱. و من گذشته از آن، کمترین کمتران و خوارترین خواران و همانند ذره یا کوچک تر از آنم (همان).

- «أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، وَ يَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَيْسِيرًا، وَ دَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا»^۱ (فراز ۱۳).

- «وَ صَلَّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ، صَلَاةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونَكَ ...»^۲ (فراز ۵۵).

- «وَ لَا تَكْلَنِي إِلَى حَوْلِي وَ قُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ»^۳ (فراز ۱۱۳).

- «سُبْحَانَكَ خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ ، وَ خَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ»^۴ (فراز ۲۶).

- «رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زَنَةَ عَرْشِكَ وَ مَا دُونَهُ ، وَ مِلْءَ سَمَآوَاتِكَ وَ مَا» (فراز ۵۹).

- «رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زَنَةَ عَرْشِكَ وَ مَا دُونَهُ، وَ مِلْءَ سَمَآوَاتِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ وَ عَدَدَ أَرْضِيكَ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ...»^۵ (فراز ۵۹).

این نگاشت که بیانگر مقام و موقعیت فروتری و کم‌ارزشی است، در دعای ۴۷ صحیفه با لفظ «دون» و به‌ندرت با واژه «تحت» مطرح شده است. پیشتر از استعمال لفظ «صَعْنِي» در برابر لفظ «ارفعنی» برای بیان بی‌ارزشی و خوارداشت خویش در برابر پروردگار به‌عنوان نمونه‌ای دیگر از این نوع استعاره سخن رفت. امام سجاده (ع) این نوع نگاشت استعاری جهتی را با واژگان مربوطه در جهت کم‌ارزش و خوارداشت جایگاه خویش در برابر مقام حق تعالی به کار برده و بدین وسیله نهایت تذلل و تواضع خود را تجسم بخشیده است.

۱. تویی که هر چیز را در نیکوترین وضع، اندازه‌گیری کردی؛ و هر چیز را، از نظر تمام خصوصیات رو به راه فرمودی؛ و امور همه موجودات ماسوای خود (غیر خود) را سامان دادی (همان).

۲. پروردگارا! بر او و آلش درود فرست، درودی که هر درود گذشته و آینده را در برگیرد؛ و بر او و آلش درود فرست، درودی که نزد تو و غیر تو پسندیده باشد (همان).

۳. و به توفیق و راهنمایی‌ات حمایتم فرما و بر نیت شایسته و گفتار پسندیده و عمل نیک یاری‌ام ده و مرا بدون قدرت و توانایی‌ات، به قدرت و توانایی‌ام وامگذار. (همان)

۴. منزّه و پاک، هر کس در عرصه علم تو قرار گرفته، برایت فروتنی کرد و جمع آفریده‌هایت، در برابر بزرگی‌ات فروتنی کردند.

۵. ای پروردگار من، تحیت و درود بفرست بر ایشان، تحیت و درودی هم‌سنگ عرش عظیم خود و هر چه در فرود عرش جای دارد، لبالب آسمان‌ها و هر چه فراتر از آن‌هاست و به شمار زمین‌ها و هر چه در زیر آن‌هاست و هر چه بین آن‌هاست (آیتی، همان: ۳۲۴).

«دُون» ظرف مکان جهت پایین و در تقابل با جهت بالا قرار دارد و معانی منفی پایین، پست و کم ارزش را دربر می‌گیرد^۱ (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳، ۱۶۴؛ صاحب، ۱۴۱۴: ۹، ۳۵۹). بنابراین «دُون» در عبارت (وَمِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ دُونَهَا) برای اشاره به جایگاه فرودین و پست، استعاره گرفته شده است.

چنان‌که در برخی فرازهای مورد اشاره «دُون» برای بیان موقعیت ماسوایی و غیریت نسبت به مقام خداوند و برای تجسم یخشیدن به پستی این جایگاه به استعاره گرفته شده است. لذا مقصود امام از تعبیر: «مَا دُونَكَ» و «لَيْمَنْ دُونَكَ» و «دُونِ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ» موجوداتی چون فرشتگان مقرب یا آن‌ها و سایر موجودات باشد.

تعبیر «دُونِ عَرْشِ» در سه فراز از دعای امام، مفهوم استعاری فروتری را برای آنچه پایین تر از عرش است، در بر می‌گیرد.^۲

البته به نظر می‌رسد در فراز ۵۹ از دعای امام (ع) استعمال واژه «تحت»^۳ هرچند که به‌خودی خود، مفهوم فروتری را در بر دارد؛ لکن در این‌جا تنها برای اشاره به بُعدی از ابعاد گوناگون و گسترده صلوات درخواستی مانند العرش، دُون العرش، ملء السماوات، فوق السماوات، عدد الارضین، بین الارضین، ذکر شده باشد.

۲-۳. نگاشت‌های استعاری جهات «نزدیک» و «دور»

دو جهت مکانی نزدیک و دور بیانگر دو مفهوم استعاری متقابل اند. در دعای ۴۷ صحیفه برای جهت نزدیک از تعبیر «قُرْب» و «دُنُو»، و برای جهت دور از تعبیر «بُعْد» و گاه «عَلَو» استفاده شده است. طبق بررسی در این دعای، جهت نزدیک نشانگر مفهوم استعاری مثبت و سودمند و جهت دور بیانگر مفهوم استعاری منفی و زیانبخش است.

۳-۲-۱. در دسترس، «نزدیک» و خارج از دسترس، «دور» است.

۱. «دُون» از ریشه «دَنَأَ» به معنی پستی و فرومایگی، نزدیک، پایین و در دسترس بودن است (راغب، ۱۴۱۲: ۳۱۸؛ طریحی، ۱۳۶۲: ۱، ۱۴۸).

۲. ناگفته نماند که بر اساس آیات قرآن عرش دارای مقام عظیم (توبه، ۱۲۹، مؤمنون، ۸۶، نمل، ۲۶) و مقام کریم (مؤمنون، ۱۱۶) در مقایسه با دیگر موجودات و مخلوقات است. لذا با توجه به حضور چنین جایگاه بلندی برای عرش در ذهن مخاطب، اطلاق لفظ «دُون» برای ماسوای آن به روشن‌ترین وجه ممکن، معنای که‌تری و فروتری را برای ماسوای آن تجسم می‌بخشد.

۳. ناگفته پیداست که علاوه بر این دو، دیگر تعبیر مکان‌مند این دعا هم در معنای مورد اشاره به کار رفته‌اند.

- «أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ، وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ»^۱ (فراز ۱۰).

به نظر می‌رسد مقصود امام سجاد(ع) از فراز فوق که در آن تعبیر (دانی، عالی، علو، دنو) را به صورت متقابل مطرح نموده است، مفاهیم «در دسترس، شنوا، بینا و برآورنده حاجات بودن» خداوند در برابر مفاهیم مقابل آن باشد که این دو مفهوم متعالی با نگاشت استعاری و استفاده از واژگان دال بر دو جهت نزدیک و دور قابل تبیین است.

گوااین که آموزه‌ای که امام در دعای خویش با ظرافت تمام مورد اشاره قرار داده از معارف اصیل و عمیق اسلامی است که بارها در نصوص و حیانی مورد اشاره قرار گرفته است. چه از یک سو، ذات حق تعالی چنان دور از فهم و غیرقابل تصور برای انسان معرفی شده که کسی را یارای ادعاهای گزاف در این باره نباشد^۲ و گاه چنان نزدیک، در دسترس و پایین معرفی شده است تا بندگان با آرامش خاطر و با اطمینان کامل از حضورش با او به نجوا و سخن بنشینند، و خواسته‌های خود را محضر قرب و در برابر گوش شنوا و چشم بینای او مطرح کنند و بدانند که او می‌شنود، می‌بیند و پاسخ می‌دهد.^۳

تعبیر «عالی، علو» در فراز اول از ریشه «علی» بیانگر جهت بالا، و درست در نقطه مقابل با تعبیر «الدانی و دنو» است که بیانگر جهت پایین‌اند؛^۴ اگر پرسیده شود: واژگان برگرفته از ریشه «علی» مشتمل بر مفهوم بلندی و بالایی هستند و دلالت مستقیمی بر مفهوم دوری ندارند، پاسخ این است که معنای بلندی در اینجا به قدری دقیق و عمیق است که خودبه‌خود مفهوم دوری و غیرقابل دسترس بودن را در بر می‌گیرد. نشانه درستی این ادعا آن است که در مقابل تعبیر «عالی، علو» تعبیر «الدانی و دنو» قرار گرفته که دلالت بر نزدیکی و در دسترس بودن می‌کند؛ چنانکه پرودگار اصلاً برتر و والاتر از آن است که به وصف در آید.^۵ بنابراین، تعبیر «عالی، علو» مشتمل بر مفهوم استعاری غیر قابل تصور و دور از

۱. و تویی آن خدایی که جز تو خدایی نیست، نزدیک در عین بلندی مقامش، و بلند مقام در عین نزدیکی‌اش (انصاریان، همان).

۲. آیه «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (انعام، ۱۰۳) و حدیث «اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوصَفَ» (برقی، ۱۳۷۱: ۱، ۲۴۱، کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۱۱۷-۱۱۸) از جمله این توصیفات است.

۳. «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...» (بقره، ۱۸۶) و «إِنِّي رُبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ» (هود، ۶۱).

۴. «الدانی» از ریشه «دنی» در معانی پست‌تر یا پایین تر به کار می‌رود (راغب، ۱۴۱۲: ۳۱۸؛ طریحی، ۱۳۶۲: ۱، ۱۴۸) که در اینجا با توجه به استعمال «دنو» در عبارت پسین، و با توجه به این که اشاره به صفت خداوند دارد، به دست می‌آید که به معنای نزدیک‌تر و پایین‌تر است.

۵. امام علی(ع) در سخنی، کمال اخلاص را «نهی صفات از خداوند» دانسته که طبق یک تفسیر مقصود آن است که هیچ صفتی برای خداوند مطرح نشود (نهج البلاغه، خطبه ۱).

دسترس فهم بشر بودن حق تعالی است که در مقابل آن نیز تعبیر «الدانی و دُنُو» از زاویه و منظر مقابل خداوند را بسیار نزدیک و در دسترس بشر معرفی می کند.

۳-۲-۲. خارج از دسترس، «دور» است.

- «وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيِّ الْمُتَعَالِ»^۱ (فراز ۵)

به نظر می رسد که در این فراز نیز دو تعبیر به هم پیوسته (علی متعال) بر چنان بلندای دور از دسترسی دلالت دارد، که می توان آن را بیان گر مفهوم استعاری خارج از دسترس فهم و ادراک بودن خداوند دانست؛ چنانکه در مورد پیشین تبیین گردید.

۳-۲-۳. سودمند، «نزدیک» است.

- «وَهَبْ لِي عِصْمَةً تَذِينِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَ تَقْطَعِي عَن رُكُوبِ مَحَارِمِكَ، وَ تَقْكُنِي مِنْ أَسْرِ الْعَطَائِمِ...»^۲ (فراز ۱۱۱).

- «وَ أَنْكَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَيَّ أَنْ تَشْهَرَ»^۳ (فراز ۱۱۶).

- «وَ تَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ...»^۴ (فراز ۷۲).

- «حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَيَّ قَوْلِكَ مِنْهُ، وَ لَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ بِهِ»^۵ (فراز ۴۷).

- «رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ... صَلَاةً تَقْرِبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى» (فراز ۵۹)

- «رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَّجِبِ الْمُصْطَفَى الْمُكْرَمِ الْمُقَرَّبِ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ...»^۶ (فراز ۵۰)

- «وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دِينِي تَنْتَهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصُدَّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَ تَذْهَلْ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ»^۷ (فراز ۱۰۹).

۱. و تویی آن خدایی که جز تو خدایی نیست، بلندمرتبه و بلندپایه ای (انصاریان، همان).

۲. (پروردگارا) و به من مقام خود نگاه داری (عصمتی) عنایت فرما که مرا به مقام خشیت از تو نزدیک کند و مرا از ارتکاب محرمات جدا سازد و از اسارت گناهان بزرگ رها نماید (همان، با اندکی تصرف).

۳. این که تو (نسبت به گناهان و عیوب بندگان) پرده پوشی کنی، نزدیک تر به مقام و منش تو است، تا این که پرده دری نمایی و رسوا سازی (نویسنده مقاله).

۴. و با وسیله ای به تو نزدیکی جستم که جز به واسطه آن، کسی نمی تواند به درگاه تو تقرب جوید (همان).

۵. حمدی که هیچ حمدی به سخن تو نزدیک تر از آن نباشد و از سراینده آن، حمد گوینده تری نبود. (آیتی، ۱۳۷۵: ۳۲۲ با تصرف).

۶. پروردگارا بر محمد و آل محمد که برگزیده، پسندیده، گرامی و مقرب (درگاه تو) است، بهترین دروهای خود را بفرست (فیض الاسلام، همان، ۳۳۲).

در عبارات هفت گانه فوق واژگان برگرفته از ریشه «قرب» و «دَنُو» بیان گر معنای نزدیکی می باشد. در همه این موارد، این نزدیکی امری سودمند و خوشایند به شمار می آید. بر این اساس در دعای امام نزدیکی بیانگر سودمندی است.

همان گونه که گذشت، فعل «تَدْنِی» برگرفته از «دَنُو» و به معنی نزدیکی است (راغب، ۱۴۱۲: ۳۱۸؛ طریحی، ۱۳۶۲: ۱، ۱۴۸). چنان که در آیه: **حَاقُّمُ دَنَا فَتَدَلَّى** (نجم، ۸) به همین معناست. نیز واژه «دنیا» که مؤنث «أدنی» است به معنی عالم «نزدیک تر» است. طبق این توصیف واژه جهت گیرانه «تَدْنِی» در دعای امام، مفهوم استعاری «ترس از خدا» را که موجب رعایت حدود و فرامین او می شود و امری روحی و نامرئی است، به صورت امری محسوس و مادی جلوه داده تا برای مخاطب قابل فهم تر و اثرگذارتر نماید.

واژگان «أَقْرَبُ» و «تَقَرَّبْتُ» و... از ریشه «قُرْب» به معنای نزدیکی است، خواه این نزدیکی مادی باشد و خواه معنوی (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۹، ۲۵۰). راغب برای واژه قرب معنای نزدیکی در اموری مانند «نزدیکی به زمان، به مکان، نسبت، منزلت، معنوی و...» را برشمرده است (نک: ۱۴۱۲: ۶۶۳). به اعتقاد برخی (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹، ۱۲۰) خمینی، سیدروح الله. واژه قرب ابتدا برای امور مادی و به اعتبار نسبت مکانی آن ها به کار رفته است؛ ولی پس از آن توسعه یافته و در غیرمکان، مانند نزدیکی از جهت زمان نیز استعمال شده، اما با توسعه بیشتر در حقایق غیر مادی نیز به کار رفته است.

بدین سان در فرازهای مذکور، تعبیر «قرب» در قالب واژه ای جهتی به کار رفته است که البته مقصود از این استعمال، مفاهیمی استعاری می باشد. در فراز ۱۱۶ سزاواری خداوند به پرده پوشی که صفتی از اوصاف الهی است با واژه مکانی قرب به خوبی تجسم یافته است، و در فراز ۷۲ مفهوم استعاری «ارتباط و پیوستگی بنده با خداوند» که حالتی روحی است به واسطه طرح آن با واژه فضایی قرب به مثابه امری مادی فرض شده تا به روشنی تبیین شده باشد. لاجرم این نزدیکی استعاره از رخ نمودن وضعیتی خوشنودکننده و رضایت بخش آورده شده تا برای مخاطب نیز بسیار اثرگذارتر باشد.

۱. و دوستی دنیای پست را از دلم بر کن که مرا از آنچه (سعادت و نیک بختی که) نزد تو است، و از طلبیدن وسیله و دست آویز به سوی تو باز می دارد، و از تقرب و نزدیک شدن به (طاعت) تو غافل و بی خبر می گرداند (فیض الاسلام، همان، ۳۴۹ با تصرف).

در فرازهای دیگر نیز که هدف تجسم بخشی به کیفیت حمد خداوند، صلوات درخواست شده برای پیامبر(ص) و اهل بیت او و نقش دنیای پست در از بین رابطه سودمند انسان با خداوند است، همگی با واژگان برگرفته از «قرب» ارائه شده که براینند سودمندی را از «قرب» تجسم می‌بخشد.

۳-۲-۳. زیان بخش، دور است.

- «وَأَعِذْنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ». (فراز ۹۳)

یُبَاعِدُنِي از ریشه «بُعِد» به معنی دور است. راغب گوید: واژه «بُعِد» متضاد با «قُرْب» و بیشتر در مورد پدیده‌های مادی به کار می‌رود. اما دوری یا نزدیکی در امور عقلانی و معنوی نیز کاربرد دارد؛ چنانکه در آیه: ﴿بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ﴾ (سبأ/۸) «بعید» به عنوان صفت برای ضلالت و به معنای گمراهی شدید است، چنان که امیدی به بازگشت در آن متصور نیست. فعل «بَاعِد» در دعای امام (ع) نیز اسم مبالغه و به معنای بسیار دور است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۳۳-۱۳۴).

در دعای امام (ع)، «پناه بردن به خداوند» استعاره از شیء مادی و ملموس فرض شده است که نزدیک شدن به آن ایمنی از خطرات را به همراه دارد؛ لذا باید از آن خطرات دور شد و هرگونه واسطه بین خود و خداوند را که موجب دوری از او می‌شود، از بین برد. در واقع، کسب ایمنی و حفظ خود از خطر، برای مفهوم دور شدن از آن استعاره آورده شده است. نکته شایان توجه آن که تمام مفاهیم و آموزه‌های مرتبط با خداوند غیرمادی بوده و از تحیز به مفهومی که ما در دنیای مادی می‌یابیم، برخوردار نیستند. بنابراین، این مفاهیم و نوع استعاره به کار رفته در آن‌ها برای تقریب به ذهن و آگاهی از کیفیت ارتباط ما با خداوند و اثرگذاری اعمال بر سرنوشت دنیوی و اخروی ما است.

۳-۳. نگاشت‌های استعاری جهات پیش و پس

از جمله واژگان جهتی در استعاره مفهومی، دو واژه متقابل «پیش» و «پس» است که این دو در زبان عربی با تعبیری مانند **تقدم** و **تأخر**، **قبل** و **بعد** و... مطرح می‌شوند. در دعای ۴۷ صحیفه نیز در قالب تعبیر مشابه مفاهیم انتزاعی به صورت مکان‌مند ارائه شده تا اثر بخشی آن آشکار گردد. لازم به ذکر است

۱. و مرا پناه ده (نگهداری فرما) از آنچه (گناهانی که) از (رحمت و پاداش) تو دورم می‌گرداند (آیتی، همان: ۳۴۷).

که این جهات متقابل گاه به ضرورت سیاق و معنا در کنار هم قرار می گیرند و گاه هریک به صورت جداگانه ارائه می گردند.

۳-۱- زیان بخش، «پیش» و «پس» است.

- «اللَّهُمَّ ... وَ أَمَرْتُ بِأَمِّثَالِ أَوَامِرِهِ ، وَ الْإِثْمَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ ، وَ أَلَّا يَتَقَدَّمَ مُتَقَدِّمٌ ، وَ لَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ...»^۱ (فراز ۶۰).

- «وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ ، وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ»^۲ (فراز ۹).

«تَقَدَّمَ وَ تَأَخَّرَ ، وَ مُتَقَدِّمٌ وَ مُتَأَخِّرٌ» در این فراز از دعای امام (ع) نسبت به هم دارای تقابل معنایی هستند، اولی به معنای «پیش رفتن» و دومی به معنای «جاماندن» است. بنابراین امام (ع) در قالب استعاره جهتی، دو امر انتزاعی افراط و تفریط در «فرمان برداری» از پیشوای معصوم را با تعبیر «تَقَدَّمَ» و «تَأَخَّرَ» به صورت دو امر مادی معرفی نموده است؛ به گونه ای که می توان جهات آن ها را جابه جا کرد، یا از هردو جلوگیری کرد و برخلاف آن دو، راه پسندیده تر را در پیش گرفت. بدین سان پیش و پس در این جا هر دو زیان بخش است.

در فراز نهم نیز، امام برای تجسم بخشیدن به دو مفهوم **ازلیت** و **ابدیت** حق تعالی، آن دو را با تعبیر «قبل کل احد» و «بعد کل احد» بیان فرموده است. چرا که این مفاهیم اگر بدون تعبیر جهت مند مطرح شود، به صورت مبهم در ذهن متصور خواهند شد؛ لکن طرح آن ها در قالب جهات پیش و پس، آن دو را تا حدود زیادی برای مخاطب نمایان می سازد.

۳-۲- سودمند، «پیش» است.

- «وَ إِنِّي وَ إِن لَّمْ أَقْدَمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَ نَفِي الْأَضْدَادِ وَ الْأَنْدَادِ وَ الْأَشْبَاهِ عَنْكَ...»^۳ (فراز ۷۲).

۱. خدایا! ... مردم را به فرمان بردن از دستوراتش و باز ایستادن از نهی اش و پیشی نجستن بر حضرتش و پس نماندن از وجود مقدسش، دستور دادی (انصاریان، همان).

۲. تویی آن خدای یکتا که هیچ خدایی جز تو نیست: خداوندی که پیش از همه بوده و پس از همه خواهد بود (آیتی، همان: ۳۱۹).

۳. و من هر چند کردار شایسته ای که دیگران پیش فرستادند، پیش نفرستاده ام؛ ولی (عقیده خالص) وحدانیت تو و نفی همانند و همتاها و شبیهها از تو را پیش فرستاده ام (نویسنده).

«تقدیم» جلو انداختن و مقدم داشتن است. طبرسی ذیل آیه: **حَتَّىٰ يُعْزِفَ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ** (الرحمن/۴۱) گوید: «قَدَمُ عضوی است که شخص برای راه رفتن به جلو می‌گذارد» (طبرسی، ۱۴۱۵: ۹، ۳۰۹)، بنا به تعبیر طبرسی علت تسمیه پا به قدم، جلو انداختن آن برای راه رفتن است و به تعبیر راغب اصل در قدم پا (راغب، ۱۴۱۲: ۶۶۰) و تقدم به معنی پیش افتادن به اعتبار آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴، ۴۶۵).

در فراز مورد بحث، مقصود از تقدیم عمل صالح، انجام انواع آن از قبیل کردارها، نیات و اندیشه‌های پسندیده است. بنابراین، گرچه مراد از «قَدَمُوهُ» «قَدَمْتُ» انجام اعمال صالح است؛ اما عمل صالح که در کلیت خویش، امری انتزاعی است به یک موجود مادی تشبیه شده تا قابلیت جابه‌جا شدن و پیش فرستادن داشته باشد. مفهوم پیش فرستادن نیز در این فراز از دعا، مثبت و خوشایند است.

۳-۳-۳. «زیان بخش»، پشت است.

- «وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا...» (فراز ۱۳۲)؛ و مرا پشتیبان ستم‌کاران قرار مده (انصاریان، همان).

ظهير برگرفته از «ظَهَرَ» به معنای پشت است. دیگر معانی آن به اعتبار همین معنای اصیل است؛ چنان‌که به‌طور استعاره گفته شده: ظَهَرُ الارض و بطنها؛ یعنی «روی زمین و شکم آن» (راغب، ۱۴۱۲: ۵۴۰). هم‌چنین، «ظهير» به معنای پشتیبان و یاریگر است. **حَتَّىٰ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا** (اسرا/۸۸). البته ظهير می‌تواند هر دو مفهوم مثبت و منفی را در بر داشته باشد؛ لذا با توجه به بافت کلام مقصود از مفهوم آن روشن می‌گردد. در عبارت مورد بحث، امام (ع) برای تبیین امر انتزاعی «پشتیبانی از ستم‌کاران» از واژه «پشت» استفاده کرده است که در تعبیر عامیانه، مثال‌های زیادی برای آن مطرح است. اصولاً پشت کسی بودن استعاره از یاور و مددکار بودن است؛ به‌طوری‌که اگر انسان در مواجهه با مشکلات ناتوان بماند، نیرویی از پشت به یاری او آید.

۳-۴. نگاشت‌های استعاری جهات متقابل روی‌برگرداندن و روی‌نهادن

۱. «... هر چند در این کار برخی پشتیبان برخی دیگر باشند» (همان).

دو امر «روی برگرداندن و روی نهادن» را هم می‌توان به عنوان اموری جهتی به شمار آورد و مفاهیم انتزاعی مرتبط با آن دو را در قالب واژگان مربوطه ارائه نمود. گو این که در فرازهایی از دعای امام سجاده (ع) چنین کاربردی رخ نموده است.

۳-۴-۱. «زیان بخش»، روی برگرداندن است.

- «و لَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَىٰ عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ»^۱ (فراز ۱۰۰).

اعراض به معنای روگردانی و پشت کردن است (راغب، ۱۴۱۲: ۵۵۹). بدین سان، تعبیر «تعرض» و «اعراض» در فراز فوق از دعای امام (ع) از یک مفهوم تنبیه برانگیز روحی در تعلیم آسمانی پرده برمی‌دارد و آن مورد بی‌توجهی قرار گرفتن انسان، از جانب حق تعالی است. چه اگر کسی بخواهد خود را نسبت به دیگری علاقه‌مند نشان دهد در وضعیت مکانی روبروی او قرار می‌گیرد تا به او نزدیک شود و وی را مورد توجه قرار دهد؛ اما در حالت ناخشنودی خلاف آن رخ می‌دهد. بنابراین، گرچه مقصود امام صرفاً اشاره به دو حالت خشنودی و ناخشنودی خداوند است؛ لکن این حالات انتزاعی درونی و روانی را با تعبیر جهت‌مند «پیش و پس» بیان نموده است تا در لباس اشیاء محسوس که در فضا و مکان قابلیت جابه‌جایی دارند، توصیف شده باشد و تشخیص آن نمایان‌تر گردد.

۳-۴-۲. سودمند، روی نهادن است.

- «و تَوَلَّيْ بِمَا تَوَلَّيْ بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَ الزَّلْفَىٰ لَدَيْكَ وَ الْمَكَانَةَ مِنْكَ»^۲ (فراز ۸۷).

در این فراز، بر عکس مورد پیش، مفهوم «روی نهادن» مطرح شده است که حالتی دلپذیر است. به همین خاطر، امام (ع) در مناجات خود با خداوند این مفهوم انتزاعی را با تعبیر جهت‌مند «تَوَلَّيْ» که در این جا مفهومی مقابل روی گردانی دارد، مورد اشاره قرار داده است.

۳-۵-۵. نگاشت‌های استعاری جهت مقابل (پیش‌رو)

۳-۵-۱. مصونیت بخش، پیش‌رو است.

- «وَمَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، صَاغِرًا ذَلِيلًا خَاضِعًا خَاشِعًا خَائِفًا...» (فراز ۶۹).

۱. (پروردگارا) از من روی مگردان. هم‌چون روی گرداندن از کسی که پس از خشم گرفتن بر او، از وی خشنود نمی‌شوی. (انصاریان، همان. با اندکی تصرف).

۲. (پروردگارا) مرا سرپرستی فرما به آنچه با آن سرپرستی می‌فرمایی، کسانی را که تو را طاعت و فرمانبری نموده‌اند و نزد تو دارای قرب و منزلت هستند (فیض الاسلام، همان: ۳۴۵ با اندکی تصرف).

- «وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنِي لِلْقَائِلِكِ، وَلَا تَقْصَحْنِي بَيْنَ يَدَيَّ أَوْلِيَاكَ...»^۲ (فراز ۱۱۴).

- «وَأَمِّتْنِي مِثَّةَ مَنْ يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ...»^۳ (فراز ۱۱۷).

- «وَذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ أَعَزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ...»^۴ (فراز ۱۱۸).

تعبیر «بین‌یدی» از دو بخش «بین» و «یدی» تشکیل شده است. «بین» به معنای میانه و وسط است (جوهری، ۱۳۷۶: ۵، ۲۰۸۴) و برای تخلّل و حایل شدن بین دو چیز به کار می‌رود (راغب، ۱۴۱۲: ۱۵۶). «یدی» مثالی «ید» و به معنای دو دست است که به‌خاطر اضافه شدن به ضمیر «ن» آن حذف شده است. بنابراین، روی هم رفته در لغت به معنای «میان دو دستان» است. از نظر لغویان «بین» هم اسم است و هم به‌عنوان ظرف زمان و مکان به کار می‌رود؛ اگر به مکان اضافه شود، ظرف مکان است و چون به زمان اضافه شود، ظرف زمان خواهد بود (راغب، ۱۴۱۲: ۱۵۶). بدین‌سان معنای «بین‌یدی» با تعبیری چون پیشاپیش، پیش‌روی، جلوتر از، و آینده بیان می‌گردد.^۵ طبرسی از قول ضحاک آورده که مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ یعنی آنچه هنوز نیامده و نشده و در پیش‌رو است و مَا خَلْفَهُمْ یعنی آنچه گذشته و واقع شده و پشت سر قرار گرفته است (۱۴۱۵: ۶، ۶۲۸).

بنابراین امام (ع) در چندین فراز از دعای روز عرفه تعبیر «بَيْنَ يَدَيَّ» را برای جلوه بخشی به اموری انتزاعی، استعمال نموده است. در فراز ۶۹ خود را در حالت تذلل و کوچکی در پیش‌روی خداوند معرفی می‌کند. در فراز ۱۱۴، رسوا نشدن در «پیش‌روی» اولیای خداوند را درخواست کرده است. در فراز ۱۱۷ نورانیت پیش‌روی خود را در قیامت طلبو در فراز ۱۱۸ در عباراتی تقابلی نهایت خضوع و خشوع را در برابر خداوند و برخورداری از عزت را در میان مخلوقات استمداد نموده است. در تمام این موارد مفاهیم انتزاعی به صورتی اثربخش تبیین شده است.

۳-۶. نگاشت‌های استعاره‌ای جهت «نزد»

۳-۶-۱. مصونیت بخش، «نزد» است.

۱. و اینک منم در جلو تو پست، خوار، فروتن، زاری‌کنان و ترسان (همان: ۳۴۲).
۲. و روزی که مرا برای دیدارت بر می‌انگیزی خوارم مکن و پیش روی دوستانت رسوایم مساز (انصاریان، همان. با تصرف).
۳. و مرا بمیران، مانند میراندن کسی که نورش از پیش رویش و از جانب راستش، حرکت می‌کند (همان).
۴. و مرا پیش رویت ذلیل و نزد بندگان عزیز کن (همان).
۵. راغب مفهوم نزدیکی را نیز برای آن قائل شده. گوید: «هَذَا الشَّيْءُ بَيْنَ يَدَيْكَ» یعنی این به تو نزدیک است (۱۴۱۲: ۱۵۶).

- «اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.»^۱ (فراز ۶۱)
- «وَ ظَاهِرُ لَدَيَّ فَضْلِكَ وَ طَوْلُكَ»^۲ (فراز ۱۱۲).
- «وَ تَمَّمْ شُبُوحَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَ ظَاهِرُ كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ»^۳ (فراز ۱۲۸).
- «حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ، وَ يَسْتَعْرِقُ كُلَّ جَزَاءِ جَزَائِهِ»^۴ (فراز ۴۲).
- «وَ تَوَلَّيْ بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَ الزُّلْمَى لَدَيْكَ وَ الْمَكَاتَةَ مِنْكَ»^۵ (فراز ۸۷).
- «وَ أَعِدْنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَ يُحَوِّلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَظِّي مِنْكَ، وَ يَصُدُّنِي عَمَّا أَحَاوِلُ لَدَيْكَ»^۶ (فراز ۹۳)
- «وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ، صَلَاةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونِكَ، وَ تُشِئْ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا»^۷ (فراز ۵۵).
- «ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَ التَّذَلُّلِ وَ الْإِسْتِكَانَةِ لَكَ، وَ حُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، وَ الثَّقَةِ بِمَا عِنْدَكَ»^۸ (فراز ۷۳)
- «وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي بِإِمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَلَمْ يَشْرَكَكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي»^۹ (فراز ۹۰)
- «وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دُنْيَةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَ تُدْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ»^۱ (فراز ۱۰۹).

۱. بار خدایا (چون برای تو در هر روزگاری پیشوائی است)، پس به ولی خود سپاس آنچه را بر او نعمت داده‌ای، الهام نما و مانند آن شکر و سپاس را (بر آنچه به ما نعمت داده‌ای) به سبب آن حضرت به ما نیز الهام کن، و او را از پیش خود چیرگی و توانائی ای که او را یاری دهنده است، عطا فرما (فیض الاسلام، همان: ۳۳۷ با تصرف).
۲. فضل و نعمت را بر من ظاهر و آشکار گردان (آیتی: ۱۳۷۵).
۳. بار خدایا، مرا فراخی نعمت ده به حد کمال و کرامت‌های آن از پی یکدیگر به من ارزانی دار (همان).
۴. حمدی که ثوابش در نزد تو به کمال باشد و جزای آن، هر جزای دیگر را مستغرق خود سازد. (همان)
۵. بار خدایا، از هر چه پرستندگان و مقربان خود را نصیب می‌دهی، مرا نیز نصیب ده. (همان)
۶. بار خدایا، مرا از هر چه از درگاه تو دور می‌دارد، یا میان من و فیضی که از سوی تو به من می‌رسد حایل می‌گردد، یا از هر قصد که نزد تو کنم باز می‌دارد، در پناه خود دار. (همان)
۷. و بر او و خاندانش تحیت و درود بفرست، تحیت و درودی که در نزد تو و در نزد غیر تو پسندیده آید و با آن، تحیات و درودهایی بیافرینی که آنچه پیش از این درود و تحیت فرستاده‌ایم مضاعف گردد. (همان)
۸. آن‌گاه از پی آن تقرب به درگاه تو توبه کرده‌ام، در عین خواری و فروتنی و حسن ظن به تو و اعتماد به رحمت تو، و امید به تو را که امیدواران از آن نومید نمی‌شوند، شفیع خود گردانیده‌ام (همان).
۹. بار خدایا، چنان مباد که مرا مهلت دهی تا به تدریج سزاوار کیفر شوم، چونان کسی که نعمت از من باز گرفت و چنان پنداشت که هر خیر و نیکی که هست از جانب اوست، تا آنجا که تو را هم در نعمتی که نصیب من شده بود، شریک نساخت (همان)

- «وَذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَاعَزَّنِي فِي خَلْقِكَ»^۲ (فراز ۱۱۸).

- «وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا أَوْ إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا»^۳ (فراز ۱۲۹).

- «وَاجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ»^۴ (فراز ۱۳۰).

- «سُبْحَانَكَ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ، وَعَرَفْتَ الْهَدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ، فَمَنْ التَّمَسَّكَ لَدَيْنِ أَوْ دُتُّبَا وَجَدَكَ»^۵ (فراز ۲۵).

یکی دیگر از جهات مطروحه در استعاره‌های مفهومی، «نزد» است. این جهت با تعبیر «لَدُنْ، لَدَى و عِنْد» مورد اشاره قرار می‌گیرد. «لَدُنْ، ظرف زمان و مکان (راغب، ۱۴۱۲: ۷۳۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳، ۳۸۳) و اخص از «عند» است؛ زیرا «لَدُنْ» فقط در مورد امور حاضر به کار می‌رود (فیومی، ۱۴۱۴: ۵۵۲)؛ اما «عند» برای حاضر و غائب هر دو به کار می‌رود (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۴، ۸۸). طبق گفته لغویان، «لَدَى» و «لَدُنْ» یک کلمه‌اند که به دو نحو تلفظ می‌شوند (همان). واژه «عند» نیز بیانگر مفهوم نزدیکی است که گاهی برای «مکان»، گاهی برای «اعتقاد» و گاهی برای «بیان منزلت» به کار می‌رود (راغب، ۱۴۱۲: ۵۹۰).

بدین سان، کلمات «لَدُنْ» و «لَدَى» و «عِنْد» با وجود داشتن تفاوت‌هایی ظریف، تقریباً هم‌معنا بوده و در مواردی به جای هم به کار می‌روند (نک: ازهری، ۱۴۲۱: ۱۴، ۸۸؛ راغب، ۱۴۱۲: ۷۳۹؛ سیوطی، ۱۴۱۱: ۲، ۱۸۵). جالب آن که در فرازی امام دو تعبیر (لَدَيْكَ وَ عِنْدَكَ) را با هم آورده است: «وَأَذُقْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةٍ مِنْ سَعَتِكَ، وَ الْإِجْتِهَادِ فِيمَا يُزِلُّ لَدَيْكَ وَ عِنْدَكَ»^۶ (فراز ۱۲۵).

با توجه به آنچه گفته شد، استعمال واژگان مورد اشاره برای جهت نزد و برای تبیین و تجسیم امور انتزاعی، بیان‌گر کاربست استعاری آن‌ها به‌ویژه در نصوص دینی است. امام سجاده (ع) نیز در فرازهایی از دعای مورد بحث از این کلمات استفاده نموده‌اند. چنان که در فراز ۶۱، نصرت و عنایت حق تعالی در حق

۱. خداوند، برکن از دل من محبت این جهان سفله را که راه مرا از دست یافتن به خیراتی که در نزد توست می‌بندد و چون خواهم که به سوی تو آیم، سد راه من می‌شود و از تقرب به درگاه تو غافل می‌گرداند (همان).

۲. بار خدایا، مرا در برابر خود ذلیل گردان و در نزد بندگانت عزیز دار (همان).

۳. برای من مکانی مطمئن که در آن آرام گیرم و جایی که در آن مسکن گزینم و دلم شاد شود برگزین (همان).

۴. بار خدایا، دلم را به آنچه در نزد توست، آرام و مطمئن نمای (همان).

۵. منزهی تو، ای خداوندی که دستت به نیکی‌ها گشاده است. اگر هدایتی هست، از جانب توست. هر کس از متاع این جهانی یا ثواب آن جهانی چیزی از تو خواهد، بیابد (همان).

۶. (بار خدایا)، و از فضل خویش به من بچشان، طعم فراغت را در گزاردن آنچه تو دوست می‌داری و طعم مجاهدت را در آنچه موجب تقرب به درگاه توست (همان).

ولی خود که امری انتزاعی است، به صورت جهت مند و از پیشگاه خداوند معرفی شده تا تجلی یافته، به روشنی فهمیده شود. در دیگر فرازهای مطروحه نیز به همین سان اموری معنوی و نامرئی به صورت جهت مند وصف شده تا مرئی گردد و اثربخش باشد.

۳-۶-۲. زیان بخش، نزد است.

- «وَلَا تَرْمِ بِی رَمِیْ مِنْ سَقَطٍ مِنْ عَیْنِ رِعَایَتِكَ، وَ مَنْ اِشْتَمَلَ عَلَیْهِ الْخِزْیُ مِنْ عِندِكَ»^۱ (فراز ۱۰۳).
- «وَدُّنِیْ عَنِ الْیَمَاسِ مَا عِندَ الْفَاسِقِیْنَ»^۲ (فراز ۱۳۱).

در دو مورد فوق، «عند» را برای دو امر ناسودمند، بلکه زیان بخش آورده است؛ یکی خزلانی که از جانب خداوند صادر شود و دیگری اموال یا موقعیت های فریبنده دنیوی که فاسقان از آن برخوردارند.

۳-۷. نگاشت های استعاری جهت «کنار»:

۳-۷-۱. مصونیت بخش، «کنار» است.

- «وَلَا تُؤَاخِذْنِی بِتَقْرِیْطِیْ فِی جَنْبِكَ...»^۳ (فراز ۸۹).

واژه «جَنْب» به معنای پهلو و طرف و کنار است (طریحی، ۱۳۶۲: ۲، ۲۷). مقصود از جنب به صورت استعاری عضوی از بدن (پهلوی) است (راغب، ۱۴۱۲: ۲۰۵). این واژه در عرف عمومی نیز کاربرد استعاری زیادی دارد؛ مثلاً گفته می شود «کنار تو آرام بخش است» یا «من در کنار تو احساس تنهایی نمی کنم» و... چه، هنگامی که بین دو شخص صمیمیت برقرار شود و هر دو حق یکدیگر را رعایت کنند، این امر باعث می شود هر دو به تعبیر استعاری در کنار هم احساس خوشایندی نسبت به هم داشته باشند و بالعکس. بنابراین، تعبیر در کنار هم تعبیری محسوس برای بیان حالتی نامحسوس است. در حوزه مفاهیم دینی نیز آن گاه که بندگان خدا اعمال صالح انجام می دهند، خود را در کنار خداوند آرام و شاداب می یابند و بالعکس به هنگام ناسپاسی و عهدشکنی به احساس دوری و اندوه مبتلا می شوند؛ به همین دلیل، امام (ع) برای بیان حالت خوشایند روحی بهره مندی از عنایت الهی از تعبیر «فی جنبک» (در کنار تو) بهره برده است.

۳-۸. نگاشت های استعاری جهت «به سوی»:

۱. مرا میفکن، چونان کسی که از چشم عنایت تو افتاده است و خواری و شوربختی اش فرا گرفته است (آیتی: همان).
۲. و از درخواست آنچه نزد بدکاران است، برکنارم دار (انصاریان: همان).
۳. (پروردگارا) مرا به خاطر کوتاهی در کنارت، مؤاخذه مکن (نویسنده).

۳-۸-۱. سودمند، «به سوی» است.

- «اعْمُرْ لِيَّ بِنِقَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَ تَقَرَّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ، وَ تَجَرَّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ»^۱ (فراز ۱۲۳).
- «وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ أَلْفَى يَدِهِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ»^۲ (فراز ۶۹).
- «سَهِّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ»^۳ (فراز ۹۴).
- «وَ اَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَرِيَّةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ» (فراز ۱۰۹).
- «وَ لَا تَحْدُلْنِي عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ»^۴ (فراز ۱۱۶).
- «وَ سُقْ كِرَائِمَ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ»^۵ (فراز ۱۲۸).
- «إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاعِبِينَ»^۶ (فراز ۱۳۲).
- «تَعَمَّدُنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا»^۷ (فراز ۸۶).

یکی دیگر از تعابیر که می‌توان در استعاره مفهومی جهتی به آن پرداخت، «به سوی» است که در زبان عربی با تعبیر «إِلَى» بیان می‌شود. این تعبیر نیز در برگرفته نوعی جهت فضایی است که به صورت استعاری، مفهوم مجردی را به تصویر می‌کشد. به عنوان مثال، در نصوص دینی اشاره به حرکت روحی به سوی خداوند با تعبیر «الی» بسیار شایع است. این نوع استعاره عمدتاً برابندی سودمند و خوشایند دارد. در دعای عرفه مواردی از بیان استعاری با این تعبیر یافت می‌گردد. به عنوان مثال، امام سجاد(ع) در نجوای خود با خداوند از او می‌طلبد تا شب‌هایش را با بیداری، تنهایی و گوشه‌نشینی برای عبادت و راز و نیاز با او، آبادان گرداند؛ لذا با استعمال تعبیر «الیک»، که تعبیری جهت‌مند است، سیر روحی معنوی خود را به سوی خداوند بیان نموده‌اند تا به صورتی محسوس بیان‌گر این نزدیکی و بهره‌مندی ناشی از آن باشد.^۸

۱. بار خدایا، شبم را آباد دار: به بیدار ماندنم برای عبادت تو، و به شب زنده‌داریم در تنهایی برای تو، و به بریدن از همگان و آرامش یافتنم تنها به تو (آیتی: همان).
۲. بر من ببخشای، آن بخشایش خود را که به کسی ارزانی می‌داری که خود را تسلیم تو می‌کند (همان).
۳. ای خداوند، آن راه خیر را که به سوی تو رهنمون است، پیش پای من هموار نمای (همان).
۴. و مرا هنگام نیاز به سویت، وامگذار (انصاریان: همان).
۵. و مواهب کرامند خویش به سوی من روان دار (آیتی: همان).
۶. که من از روی آورندگان به درگاه توأم (همان).
۷. در این روز، مرا چونان کسانی که از گناه بیزار جسته‌اند و به تو پناه آورده‌اند و توبه کرده و به آمرزش تو پیوسته‌اند، خلعت عفو و رحمت خود پوشان (همان).
۸. دیگر استفاده‌های امام از تعبیر استعاری «الی» در دعای ۴۷ در همین راستا بوده است.

۳-۸-۲. زیان بخش، «به سوی» است.

«وَلَا تُهْلِكُنِي بِمَا أَسَدْتُهُ إِلَيْكَ»^۱ (فراز ۱۱۶).

برخلاف نگاشت پیشین، «الی» در این فراز برای اشاره محسوس به موانع و حجاب‌هایی که از رهگذر ارتکاب گناهان، شکل گرفته، استعمال شده است.

۳-۹-۹. نگاشت‌های استعاری جهت «میان»:

۳-۹-۱. سودمند، «میان» است.

- «وَحُلِّ بَيْنِي وَبَيْنَ عَدُوِّ يُضِلُّنِي، وَهَوًى يُؤَيِّنُنِي، وَمُنْقَصَةً تَرْهَقُنِي»^۲ (فراز ۹۹).

- «رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِنَةَ عَرْشِكَ وَ مَا دُونَهُ، وَ مِلْءَ سَمَاوَاتِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ، وَ عَدَدَ أَرْضِكَ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ» (فراز ۵۹).

«بَيْنَ» به معنای میانه و وسط است (جوهری، ۱۳۷۶: ۵؛ ۲۰۸۴) و برای تخیل و حایل شدن بین دو چیز وضع شده است (راغب، ۱۴۱۲: ۱۵۶). مصطفوی گوید: «بَيْنَ» مصدری است که در اصل از رهگذر ایجاد فرق و فصل بر انکشاف و وضوح دلالت دارد، و چون این فرق و فصل مبهم و نامحدود است و شأن ماده «بَيْنَ» رفع ابهام است؛ لذا به عنوان اسم برای بیان دوری و تفرق بین دو چیز به کار رفته و معنای وساطت از آن استنباط شده است (۱۴۳۰: ۱، ۳۹۸).

امام سجاد(ع) در فرازهایی از دعای عرفه از این تعبیر بهره برده و مفهومی مجرد را با آن به استعاره گرفته است. درخواست امام در فراز ۹۹ از درگاه خداوند برای حایل شدن بین او و بین دشمن گمراه کننده و هوای نفس هلاک کننده و نواقص چیره شونده، نمونه روشنی از این بیان استعاری است. چنان که در فراز ۹۳ از درگاه ایزدی درخواست نموده تا مانع حائل شدن دشمن میان او و میان کسب بهره هایش از آن درگاه شود.

در فراز ۵۹ نیز امام با ذکر تعبیر متنوعی که هر یک بخشی از فضای قابل تصور را در بر می گیرند، میزان صلوات درخواستی خود را برای پیامبر و اهل بیت او - که امری مبهم است - مشخص کرده است.

۳-۹-۲. زیان بخش، «میان» است.

۱. و مرا به خاطر گناهانی که به پیشگاهت ریخته‌ام، هلاکم مکن (انصاریان: همان).

۲. ای خداوند، میان من و دشمنی که گمراه سازد و هوای نفسی که هلاکم گرداند و زبانی که مرا فرو گیرد، حایل شو (آیتی: همان).

- «وَأَعِدُّنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ ، وَ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَظِّي مِنْكَ ، وَ يَصُدُّنِي عَمَّا أَحَاوِلُ لَدَيْكَ»^۱ (فراز ۹۳).

در این جا مقصود از جهت «بین» حجب و موانعی است که در اثر گناهان و خطاها مانع بهرمندی از لطف خداوند می گردد و زیان و تباهی را در پی دارد.

۳-۱۰. نکاشت های استعاری سایر جهات

لازم به ذکر است که موارد دیگری از کاربرد استعاره جهتی در دعای ۴۷ صحیفه سجادیه، ملاحظه می شود که به سبب اندک بودن استعمال هریک از آنها، و برای پرهیز از طولانی شدن بحث، این موارد تنها در قالب جدول ذیل ارائه می گردد:

عبارات دعای چهل و هفتم	شماره فراز	نوع جهت	مفهوم استعاری	برآیند جهت
«شُبْحَانَكَ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ ، وَ عُرِفْتَ الْهَدَايَةِ مِنْ عِنْدِكَ ، فَمَنْ التَّمَسَكَ لِيَدَيْنِ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ» ^۲	(فراز ۲۵)	گشودن دست	بخشندگی و عنایت نمودن	سودمند
«رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِينَةَ عَرْشِكَ وَ مَا دُونَهُ ، وَ مِلْءَ سَمَاوَاتِكَ وَ مَا قَوْفَهُنَّ ، وَ عَدَدَ أَرْضِيكَ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ...» ^۳	(فراز ۵۹)	گستره آسمان ها	درخواست بسیار زیاد	سودمند
«وَلَا تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِذْ سَأَلَ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ ، وَلَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ ، وَلَا إِبَانَةَ لَهُ» ^۴	(فراز ۱۰۳)	رها کردن دست	بی توجهی و بی ارزشی	زیان بخش
«وَلَا تَرَمْ بِي رَمِي مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ ، وَ مَنْ اسْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخَرْيُ مِنْ عِنْدِكَ» ^۵	(فراز ۱۰۳)	انداختن و افکندن	بی توجهی و بی ارزشی	زیان بخش
«بَلْ لِحُدِّ يَدِي مِنْ سَقَطَةِ الْمُتَرَدِّينَ ، وَ وَهْلَةِ الْمُتَعَسِّفِينَ ، وَ زَلَّةِ الْمُغْزُورِينَ ، وَ وَظَةِ الْهَالِكِينَ» ^۶	(فراز ۱۰۳)	گرفتن دست	توجه و عنایت نمودن	سودمند

۱. بار خدایا، مرا از هر چه از درگاه تو دور می دارد، یا میان من و فیضی که از سوی تو به من می رسد، حایل می گردد، یا از هر قصد که نزد تو کنم باز می دارد، در پناه خود دار (همان).
۲. منزهی تو، ای خداوندی که دستت به نیکی ها گشاده است، اگر هدایتی هست، از جانب توست. هر کس از متاع این جهانی یا ثواب آن جهانی چیزی از تو خواهد، بیابد (همان).
۳. و مرا از دست مهل، چونان کسی که دیگر در او امید خیری نبود و تو را با او کاری نباشد و بازگشتش را فایده ای صورت نیند. (همان).

زیان بخش	رد کردن و بی توجهی	پشت دست زدن	(فراز ۱۱۶)	«وَلَا تُجِیْهِ بِمَا جِیْهَتْ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ» ^۲
سودمند	دریافت فضل الهی	سمت راست	(فراز ۱۱۷)	«وَأَمْسِي مَيِّتَةً مِّنْ يَّسَعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ...» ^۳
زیان بخش	خشم و عذاب	فرود آمدن و افتادن	(فراز ۱۱۹)	«وَأَعِدَّنِي مِنْ شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ ، وَ مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ» ^۴
سودمند	لطف و دستگیری	فرود آوردن	(فراز ۱۲۳)	«وَأَعْمُرْ لِيْلِي بِإِقْظَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ ،... وَ انْزَالِ حَوَائِجِي بِكَ» ^۵
زیان بخش	خشم و عذاب	پایین افکندن	(فراز ۱۳۱)	«وَلَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوْهُهَا مِنْ مُّعْصِيَتِكَ» ^۶
سودمند	لطف و دستگیری	در بر گرفتن	(فراز ۱۳۲)	«وَحُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حَيَاطَةً تَقْيِينِي بِهَا» ^۷

۴. تحلیل کمی داده‌ها

بررسی فرازهای دعای ۴۷ صحیفه سجادیه نشان می‌دهد که جهات متنوعی از اصلی و غیراصلی در این دعای شریف به کار رفته که عبارتند از: بالا، پایین، نزدیک، دور، پیش، پس (پشت)، روی برگرداندن، روی نهادن، پیش روی، کنار، به سوی، میان، دست گشودن، گستره آسمان‌ها، رها کردن از دست، انداختن (افکندن)، گرفتن دست، پشت دست زدن، سمت راست، فرود آمدن، فرود آوردن، پایین افکندن، در بر گرفتن.

هم چنین به لحاظ فراوانی کاربرد، «جهت نزد» با ۱۸ بار، بیشترین استعمال را به خود اختصاص داده و پس از آن جهات: نزدیک (۱۱ بار)، بالا (۱۰ بار)، به سوی (۹ بار)، پایین (۸ بار)، پیش (۶ بار)، دور (۵ بار)، پس

۱. بل دستم را بگیر تا چون افتادگان نیفتم و چون گم گشتگان نه‌راسم و چون فریب خوردگان نلغزم و در گرداب هلاک‌شوندگان سرنگون نشو. (همان).
۲. و چون دشمنانت دست رد به روی من مزن (همان).
۳. از تو خواهم که بمیرانی مرا همانند آن کسان که روشنی‌شان در برابرشان و در سمت راستشان حرکت می‌کند (همان).
۴. ای خداوند، مرا از شمات دشمنان و نزول بلا و ذلت و رنج در پناه خود دار (همان).
۵. بار خدایا، شبنم را آباد دار: به بیدار ماندنم برای عبادت تو و شب زنده‌داریم در تنهایی برای تو و بریدن از همگان و آرامش یافتن تنها به تو و آوردن حوایج به درگاه تو (همان).
۶. حسنات مرا با معصیتی که به آن آمیخته گردد، تباه منمای (همان).
۷. و از جایی که خود آگاه نیستم، چنان نگاهبانم باش که به سبب آن، از هر ناراحتی نگهداری‌ام کنی (انصاریان، همان).

(۴ بار)، پیش روی (۴ بار)، میان (۳ بار)، روی برگرداندن (۲ بار)، روی نهادن (۲ بار)، پشت دست زدن (۲ بار) قرار دارد. سایر جهات نیز هریک تنها یک بار به کار رفته است.

جدول شماره ۱- بسامد نگاشت های جهات در دعای چهل و هفتم



تحلیل استعاره های جهتی در دعای ۴۷ صحیفه سجاده با رویکرد شناختی
کرم سیاروشی، اسماعیل شعبانی، کامران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲- نگاشت های استعاره‌ی جهتی در دعای چهل و هفتم

جهت	با واژگان	تعداد کاربرد	مفهوم انتزاعی	مفهوم استعاره‌ی
بالا	رفع	۴	بزرگداشت	ارجمند، برتر
بالا	رفع، فوق، احاطه	۱۰۴=۱	بیشترین میزان حضور از صلوات یا حمد	بیشتر
پایین	وضیع، دون، تحت	۱۰۶=۱	خوارداشت	کم ارزش، فروتر
نزدیک	دَق	۴	حضور و لطف الهی	در دسترس
نزدیک	قرب، دَق	۸=۱	سجاریت، خداوند / ارزشمندترین حمد / صلوات قرب آفرین / قرب الهی / مقام خشیت	سودمند
دور	مَلَو	۴	مقام خیر قابل رصف، خداوند	خارج از دسترس
دور	بَعَد	۱	گمراهی	زیاندهش
پیش	تَقَدَم	۴	تمدی و افراخت	زیاندهش
پیش	قَبْل، قَدَم	۱۰۳	اَوَّلیت، انجام اعمال صالح	سودمند
پس (پشت)	تَأَخَّر، ظَهَر	۶=۱	گمراهی و تخریب / پشتیبانی از ستمکاران	زیاندهش
پس (پشت)	بَعَد	۱	ابذیت	سودمند
روی برگرداندن	اِصْرَاف	۴	بین توجیس و خشم	زیاندهش
روی نهادن	تَوَلَّى	۴	توجه و هدایت	سودمند
پیش روی	بین مَدی	۴	نهایت خاکساری و تذلل / نورانیت و مقام قرب	مصونیت بخش
نزد	لَدُن، لَدَى، حَتَد	۱۰۶=۹	فضل و هدایت الهی / عزت و اَرج الهی / هدایت الهی	مصونیت بخش
نزد	حَتَد	۴	خزلان و طرد الهی / مقام و موقعیت مادی	زیاندهش
کنار	جَنَب	۱	بهره مندی از هدایت حق تعالی	مصونیت بخش
به سوی	إِلَى	۸	مقام قرب / خاکساری و تذلل / مقام حاجت طلبی / دریافت مواهب	سودمند
به سوی	إِلَى	۱	موانع و خُصَم گناه	زیاندهش
وسط	بَیْن	۴	در یافت فضل و هدایت الهی / میزان و فراوانی صلوات	سودمند
وسط	بَیْن	۱	موانع دریافت فضل الهی	زیاندهش
دست گشودن	تَبَسُّطُ الْيَدِ	۱		
گرفتن دست کسی	اِخْذُ الْيَدِ	۱		
فرو بردن آوردن	اِئْتِزَال	۱		
در بر گرفتن	اِخْتِطِی	۱		
سمت راست	تَیْسِیْن	۱		
گستره آسمانها	مِیلَةُ السَّمَاوَاتِ	۱		
رها کردن از دست	إِیْسَالُ یَدِ الْيَدِ	۱		
پشت دست زدن	جَفَظَ یَدَیْ	۲		
انداختن، افکندن	اَلْقَیْ	۱		
فرو بردن آمدن	اِخْلُوع	۱		
پایین افکندن	اِخْلِیَاط	۱		
			بین توجیس و بین ارزش، رده کردن، خشم و هذاب الهی	زیاندهش

نتیجه گیری

از آنچه گذشت، به دست می آید که:

۱. دعای ۴۷ صحیفه سجاده مشتمل بر انواع گوناگونی از استعاره‌های مفهومی جهت مند است که این امر موجب طرح مفاهیم متعالی بسیاری در قالب تعبیر حسی جهت مند شده و حاکی از اثربخشی این شیوه بیانی در انتقال پیام‌های معنوی و معرفتی است.
۲. در این دعا، مفاهیم انتزاعی مثبت در قالب استعاره‌های: جهت «نزد» (لَکَدْن، لَدَى، عِنْد) بیانگر مفهوم استعاری مصونیت بخش بودن: جهت «بالا» (رَفَع، فَوْق، احاطه) بیانگر مفاهیم استعاری ارجمندی، برتری، بیشتری: جهات «نزدیک» (دَنُو، قُرْب) «پیش روی» (بَين يَدَي)، «روی نهادن» (تَوَلَّى) و «دست گشودن» (بَسَطَ الْيَدَ)، «گرفتن دست» (اِخْذُ الْيَدَ)، «در برگرفتن» (حُطِنِي)، «سمت راست» (الْيَمِينِ)، و «گستره آسمان‌ها» (مِلْءُ السَّمَاوَاتِ) مفاهیم استعاری در دسترس و سودمند بودن را القاء می کنند.
۳. مفاهیم انتزاعی منفی در قالب استعاره‌های: جهت «پایین» (وَضَع، دُونَ، تَحْتَ) مفهوم استعاری کم ارزشی و فروتری و جهات «روی برگرداندن» (اعراض)، «پشت دست زدن» (جَبَّ بَ)، «رها کردن از دست» (اِزْسَأْلَ مِنْ الْيَدِ)، فرود آمدن (حُلُولَ)، فرود آوردن (اِزْأَلَ)، پایین افکندن (اِخْبَاطَ)، انداختن» (الزَّيْ) مفهوم استعاری زیان بخش بودن را القاء می کنند.
۴. مفاهیم انتزاعی مثبت و منفی در قالب استعاره‌های: جهات «دور» (عَلَوُ، بُعْدَ)، «به سوی» (الْيَ)، «پیش» (قَبْلَ، قَدَمَ، تَقْدَمَ)، «پس» (بَعْدَ، تَأْخِرَ، ظَهَرَ) و «وسط» (بَيْنَ) مفاهیم استعاری خارج از دسترس بودن، سودمند بودن یا زیان بخش بودن را القاء می کنند.

فهرست منابع

-قرآن کریم

-صحیفه کامله سجاده

- آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۷۵ش). ترجمه صحیفه سجاده. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- ابن فارس، احمد. (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغة. محقق: عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دار الفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- انصاریان، حسین. (۱۳۷۹ش). ترجمه صحیفه سجاده. تهران: پیام آزادی.

- ایمانیان، حسین؛ نادری، زهره. (۱۳۹۲ش). «استعاره‌های جهتی نهج البلاغه از بُعد شناختی» *پژوهش نامه نهج البلاغه*، ش ۴: ۷۵-۹۲.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق). *المحاسن*. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). *الصاحح*. محقق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم - الدار الشامیه.
- محمدی ری شهری، محمد. (بی تا). *میزان الحکمه*. قم: دار الحدیث.
- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر. (۱۴۱۱ق). *الاشباه والنظائر*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- صاحب بن عباد، اسماعیل. (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. مصحح: محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۶۲ش). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۵ق). *کتاب العین*. قم: هجرت.
- فیض الاسلام، علی نقی. (۱۳۷۶ش). *ترجمه و شرح صحیفه سجادیه*. مصحح: عبدالرحیم افشاری زنجانی، تهران: فقیه.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۳۹۷ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. قاهره: دار المعارف.
- لیکاف، جرج؛ جانسون، مارک. (۱۳۹۷ش). *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*. ترجمه جهان‌شاه میرزا بیگی، تهران: انتشارات آگاه.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ؛ حاجیان، خدیجه. (۱۳۸۹ش). «استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد جهتی»، *فصل نامه نقد ادبی*، ش ۹: ۱۱۵-۱۳۹.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت - قاهره - لندن: دارالکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- هاشمی، زهره. (۱۳۸۹ش). «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون»، *ادب پژوهی*، شماره ۱۲: ۱۱۹-۱۴۰.
- یگانه، فاطمه؛ افراشی، آریتا. (۱۳۹۵ش). «استعاره‌های جهتی در قرآن با رویکرد شناختی»، *دوماه نامه جستارهای زبانی*، ش ۳۳: ۱۹۳-۲۱۶.